

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نیکولای بابکین - (Nikolay Bobkin)

برگردان از: ا. م. شیر

۲۴ دسمبر ۲۰۱۳

قرارداد استعماری بین افغانستان و امریکا

امریکا سعی می کند امیدواری خود به عقد قرارداد امنیتی با افغانستان را تا پایان سال جاری از دست ندهد. صرف نظر از هراس رهبری افغانستان از عواقب خروج کامل نظامیان امریکا، حامد کرزی، رئیس جمهور، مثل این که تصمیم قطعی گرفته است امضای خود را به پای توافقنامه نگذارد. دولت اوباما با هر هفته چند بار تجدید نظر در مواضع خود نسبت به شرایط امضای توافقنامه، علناً به هراس افتاده است. رهبران ناتو از این خشمگین هستند که بدون توافق با کابل، کشورهای عضو ناتو مجبور خواهند بود خروج کامل ارتشهای خود را از افغانستان تسریع نمایند. تهدید به قطع کمکها به دولت افغانستان و حتی تهدید به تحریک ناآرامی ها در این کشور، بهترین استدلال در مذاکره با رئیس جمهور افغانستان بود.

اما حامد کرزی تسلیم تهدیدها نشد و همین روزها اعلام کرد حل مسأله امضای موافقتنامه را به جانشین خود حواله خواهد کرد. جان کری، وزیر خارجه امریکا، با ابراز واکنش عجیب و غریب، اظهار داشت: «توافقنامه را حامد کرزی یا جانشین او تا پایان سال جاری امضاء می کنند». عجیب و غریب این است که او به امضای جانشین رئیس جمهور افغانستان امیدوار است در حالی که رئیس جمهور بعدی افغانستان پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۵ اپریل سال ۲۰۱۴ مشخص خواهد شد.

گفته می شود همه کشورهای همسایه افغانستان به استثنای ایران با امضای توافقنامه بین کابل و واشنگتن موافقت. آنچه به روسیه مربوط می شود، این است که وزارت خارجه روسیه خبر مربوط به درخواست ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه از افغانستان مبنی بر امضای توافقنامه با امریکا را تکذیب کرد (چنین خبرهایی را اساساً طرف امریکائی شایع می کند). اکنون همه آنهایی که در برقراری صلح و ثبات در افغانستان ذی نفع اند، باید مفاد توافقنامه ای را که ایالات متحده امریکا مصرانه خواهان امضای آن است، مورد توجه دقیق قرار دهند.

این باور شایع شده راجع به این که رئیس جمهور افغانستان فقط با برخی مواد «توافقنامه همکاری دفاعی و امنیتی بین ایالات متحده امریکا و جمهوری اسلامی افغانستان» مخالف است، واقعیت ندارد. حامد کرزی با متهم کردن امریکا به تلاش برای تبدیل افغانستان به مستعمره امریکا، جوهر و ماهیت توافقنامه را رد می کند...

در مقدمه توافقنامه اهداف غیر معمول در معاهدات بین المللی با کشورهای مستقل تبیین شده است. امریکا تصمیم دارد «قابلیت افغانستان را برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی علیه استقلال، امنیت، تمامیت ارضی و اتحاد ملی کشور افزایش دهد». حامد کرزی چشم انداز تحقق اتحاد ملی بدون بازگشت جنبش «طالبان» به صحنه سیاسی کشور را که

قاطعانه با ادامه اشغال افغانستان مخالف است، تاریک می بیند. تهدید استقلال افغانستان از خارج یک بهانه است. زیرا، به جز امریکا و ناتو هیچ کشور دیگری افغانستان را تهدید به حمله نمی کند.

تقاضای امریکا برای انجام عملیات مستقلانه «ضد تروریستی» در خاک افغانستان، موجب ناخرسندی جدی حامد کرزی شده است. رئیس جمهور افغانستان مبارزه امریکا با تروریسم را تهدید علیه شهروندان کشور خود تلقی می کند. او می پرسد: «چرا خلق افغانستان باید بهای مبارزه با تروریسم را بپردازد؟» به خصوص این که، ارتش ناتو، به گفته وی، نه در پایگاهها و اردوگاههای آموزشی تروریسم، بلکه، در روستاهای افغانستان با آن مبارزه می کند. تلفات در میان شهروندان افغانستان یکی از مشکلات اساسی است که بین کرزی و امریکائیا پیش آمده است. در طول ۱۲ سال اشغال افغانستان، بیش از ۲۰۰۰ نظامی امریکائی کشته شده است. دیگر کشورهای ناتو نیز قریب هزار نفر کشته داده اند. شمار دقیق کشته شدگان از میان مردم عادی افغانستان هنوز نامعلوم است. بر اساس برخی اطلاعات، بین ۱۸ تا ۲۳ هزار شهروند غیرنظامی افغان کشته شده است. بسیاری از آنها در اثر اشتباه یا عملیات نسنجیده ارتش ناتو، به ویژه، حملات هوایی آن قربانی شده اند.

اکنون کرزی می پرسد: «آیا یک امریکائی از یک افغانی عزیزتر است؟» سؤال بحقی است. تلفات افغانستان را هیچ کس به حساب نمی آورد، واشنگتن نمی خواهد این واقعیت را مورد توجه قرار دهد. ماهانه صدها نفر شهروند غیرنظامی افغانستان کشته می شوند. اگر چه مسئول قتل بسیاری از آنها طالبان است، اما بخش قابل ملاحظه ای از آنها در اثر عملیات انتلاف بین المللی کشته می شوند، هر چند واحدهای ارتش آیساف دیگر به عملیات گسترده نظامی که سنگینی اصلی نبرد مسلحانه را به دوش مردم افغانستان گذاشته است، خودداری می کند. در آخرین گزارش وزیر دفاع امریکا، چاک هیگل درباره اوضاع افغانستان به کنگره گفته می شود، مسؤولیت ۹۵ درصد عملیات برنامه ریزی شده و ۹۸ درصد عملیات ویژه بر عهده نیروهای مسلح افغانستان است، و مسؤولیت ۷۵ درصد از خاک کشور به عهده ارتش و پولیس محلی واگذار شده است.

با این وجود، به عقیده چاک هیگل، پس از خروج ارتشهای خاجی از افغانستان، اگر جامعه بین المللی به حمایت از نیروهای مسلح این کشور و دادن مشاوره به آنها ادامه ندهند، «آنها با مخاطرات جدی مواجه خواهند بود». تدابیر اتخاذی در عرصه همکاری با ساختارهای امنیتی افغانستان در ماده ۴ توافقنامه تصریح شده است. در اینجا فقط از کمک برای سازماندهی، تجهیز، آموزش و تربیت متخصصان، افسران و هیأت فرماندهی سخن گفته می شود. برای چنین مسائلی، حفظ و گسترش بیشتر ۹ پایگاه نظامی بزرگ امریکا در افغانستان لزومی ندارد. در مورد صلاح بودن حفظ قطعات ۱۰- ۱۲ هزار نفری مستقر در شهرهای بزرگ و ناتوان از نظارت بر بخش عمده کشور، از دیدگاه نظامی هم شک و تردیدهایی وجود دارد. کارشناسان امریکائی نگران آن هستند، که واحدهای باقی مانده ارتش احتمالاً نقش «سپر زنده» برای دفاع از سیاست اوباما در رابطه با افغانستان را بازی خواهند کرد.

روش برخورد به تکمیل سازمان نیروهای مسلح افغانستان می تواند نمونه آگاهی ضعیف واشنگتن از آرایش قواء در جامعه افغانستان باشد. امریکائی ها موفق شدند شمار نیروهای انتظامی افغانستان را تا سطح تعیین شده ۳۵۲ هزار نفر برسانند. هم اکنون قریب به ۱۸۵ هزار نفر در ارتش، تقریباً ۱۴۷ هزار نفر در پولیس خدمت می کند. اما چون ۷۰ درصد نیروهای انتظامی افغانستان را پرسنل غیر پشتون تشکیل می دهند، آنها را در نظر جمعیت اکثریت پشتون بسیار منفور می نمایند. پیگیری دستیابی به تعداد تعیین شده نیروهای مسلح که به بسیج اجباری در برخی مناطق کشور منجر شد، بخش اصلی جلب شدگان را افراد کم سواد تشکیل می دهند و به همین دلیل هم فرارهای جمعی اتفاق می افتد. اتفاقی نیست که میزان تلفات ارتش خوب آموزش ندیده و دارای روحیه ضعیف رزمندگی افغانستان همواره بسیار بیشتر از تلفات قطعات آیساف بوده است. متحدین در هر ماه از ۱۳ تا ۲۷ نفر تلفات می دهند، ولی تلفات

واحدهای پولیس کشوری و پولیس محلی دفاع از خود در سال ۲۰۱۳ هر هفته بیش از ۱۰۰ نفر کشته و در حدود ۳۰۰ نفر زخمی بوده است. در حال حاضر مناطق جنوبی افغانستان که عمدتاً پشتون نشین هستند، آسیب پذیرترین بخش کشور محسوب می شوند، اما ارتش افغانستان مشکل می تواند در آن مناطق بجنگد. هیچ یک از بندهای ماده ۵ توافقنامه تی که در آنها محدوده حمایت از دفاع و امنیت افغانستان معین شده، پاسخ این سوال را نمی دهد که امریکا برای برقراری ثبات در مناطق پشتون نشین چه تصمیمی گرفته است.

بخش بزرگ توافقنامه به تعهدات افغانستان مبنی بر تأمین اقامت طولانی مدت ارتش امریکا اختصاص یافته است. دو سوم متن موافقتنامه با جزئیات بسیار دقیق از وارد کردن ارز توسط پرسنل امریکائی تا اجازه استفاده از گواهینامه «آکریکائس» برای رانندگی اتوموبیل در آن ذکر شده است. احساس می شود، امریکانیها با شرایط خاصی که اساساً فقط برای دیپلوماتها در نظر گرفته می شود، برای اقامت دائم در افغانستان آماده می شوند. برای آن که هوای نقض امتیازات ویژه سربازان امریکائی به سر افغانیها نزنند، ماده ۲۷ توافقنامه به تشکیل کمیسیون مشترک نظارت بر اجرای آن تخصیص داده شده است.

در مجموع با تردیدهای حامد کرزی در این باره که توافقنامه به منافع امریکا خدمت می کند، می توان موافق بود. حداقل، بدین سبب که در متن قرارداد هیچ اشاره ای به توانائی امریکا در تأمین صلح و امنیت خلقهای افغانستان که به خروج ارتش ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴ امیدواراند، نشده است. رهبر افغانستان اخیراً در جریان سفر خود به ایران و هندوستان، سعی کرد با جلب حمایت آنها از تمرکز یک جانبه به طرف واشنگتن و بروکسل اجتناب نماید.

این یک واقعیت غیرقابل انکار است که امریکا چنان رسوائی ها به بار آورده، به چنان جنایات هولناک دست زده، گستاخی را چنان از حد فزون ساخته، که حتی نمک پرورده هایش نیز از آن روی برمی تابند. شاید این یکی از نقاط آغازین فروپاشی دولت و کشور جعلی امریکا باشد که در تاریخ موجودیت خود، به نام دموکراسی و حقوق بشر، بیش از همه دولتها و کشورها در طول تاریخ به کشتار آزادی و استقلال دست زده؛ مرتکب قتل های عام میلیونی و نسل کشی های فراوان در اقصا نقاط عالم گردیده؛ خلقها و ملت های بسیاری را به خاک سیاه نشانده؛ کشورهائیشان را ویران و ثروتهائیشان را به یغما برده؛ در اشاعة فساد و تباهی، از مواد مخدر تا فرهنگ ابتذال و خشونت و تا خصایل مزدوری و نوکر صفتی، چنان پیش رفته که تاریخ نظیر و نمونه آن را سرخ ندارد. باشد که چنین باشد!

مترجم.]

مقامات ناتو با انقضای مدت مأموریت در افغانستان باید بفهمند که پس از نابودی اتحاد شوروی و انحلال پیمان ورشو، حفظ این پیمان نظامی نیز ضروری نیست، موضوعیت خود را از دست داده و با ایفای نقش بسیار منفی در نظام امنیت جهانی، سعی می کند حوزه نفوذ خود را تا مرزهای چین گسترش دهد.

به دلایل روشنی برای واشنگتن دشوار است به آن اعتراف نماید، که اکنون امریکا قدرت خود را از دست می دهد. جهان شاهد آن است، که چرا امریکا از مداخله نظامی در امور سوریه بالاجبار صرف نظر کرد و چرا برای حل و فصل پرونده هسته ئی ایران، به جای گزینه نظامی به راه حل سیاسی تن داد. چرا امریکا نمی تواند به حرکت در همان سمت ادامه دهد و از تحکیم حضور نظامی خود در افغانستان پس از انقضای مهلت مأموریت سازمان ملل متحد امتناع نماید؟ به ویژه این که مقامات کنونی افغانستان تمایلی به آن ندارند که کشورشان به زیر سلطه استعماری امریکا درآید.

<http://www.fondsk.ru/news/2013/12/19/kolonialnoe-soglashenie-mezhdu-afganistanom-i-ssha-24699.html>

۲ دی - جدی ۱۳۹۲